

# تهران، رشد و تضادها

دکتر هوشنگ امیراحمدی – دانشگاه رانکرز  
ایالات متحده  
ترجمه – سید حسن معصومی اشکوری

## TEHRAN: GROWTH AND CONTRADICTIONS

### مقدمه

تهران، پایتخت و بزرگترین شهر ایران مرکز، و روند دوم شامل: اباحت سریع در خلال دهه‌های اولین این قرن، شاهد دو شروط و سرمایه توسط لایه نازکی از اشار روند موازی با یکدیگر بوده است: جمعیت و فقر اکثریت، و جدایی فضایی طبقات – رشد سریع و چندجانبه اجتماعی – فضایی، اجتماعی می‌باشد. – جدائی فراپنده بین طبقات اجتماعی. روندهای فوق، انتقال شهر را از شرایط روند اول شامل: افزایش جمعیت، ماقبل سرمایه‌داری وابسته در سالهای ۱۲۳۰ گسترش فیزیکی، تمرکز نهادها و مدیریت ه. ش. بعد تبیین می‌نمایند.

### تهران در دوران ماقبل سرمایه‌داری ایران

صورت یک مرکز تجاری اصلی با بازارهای مهم و چندین فعالیت تجاری خود و فعالیتهای با غداری رشد نمود (سهرام بیکی ۱۹۲۲). به دنبال این توسعه‌ها بود که جمعیت شهر در سال ۱۵۵۵ ه. ش. به حدود ۱۵ هزار نفر رسید، این میزان در سال ۱۱۸۵ ه. ش. به ۵۵ هزار نفر افزایش یافت و در نیمه دوم قرن اخیر به ۱۵۵ – ۱۲۵ هزار نفر بالغ گردید. در پنجاه سال بعد، در حدود سال ۱۳۰۰ ه. ش. جمعیت پایتخت ایران بالغ بر ۵۵ هزار نفر دیگر افزایش یافت. در سال ۱۳۰۲، برآسas اولین سرشماری رسمی در

در قرن هفدهم میلادی، تهران روستای کوچکی بود که از اقمار شهر مهم ری بشمار می‌رفت، در طول قرن‌ها، این روستا رشد کندی داشته‌است. بین نیمه قرن دهم تا نیم قرن سیزدهم ه. ق. شاهان ایران، دستور احداث دیوارها، برجها و دروازه‌ها، دیوانهای دولتی و ساختهای سلطنتی را در آن دادند. موقعیت مرکزی تهران که دسترسی به قسمت‌های مختلف قلمرو سلطنت را آسان می‌نمود، بلاشک بعنوان عامل مهمی در رشد شهر به حساب می‌آید. بعد از آنکه تهران توسط اولین شاه قاجار به پایتخت برگزیده شد، به

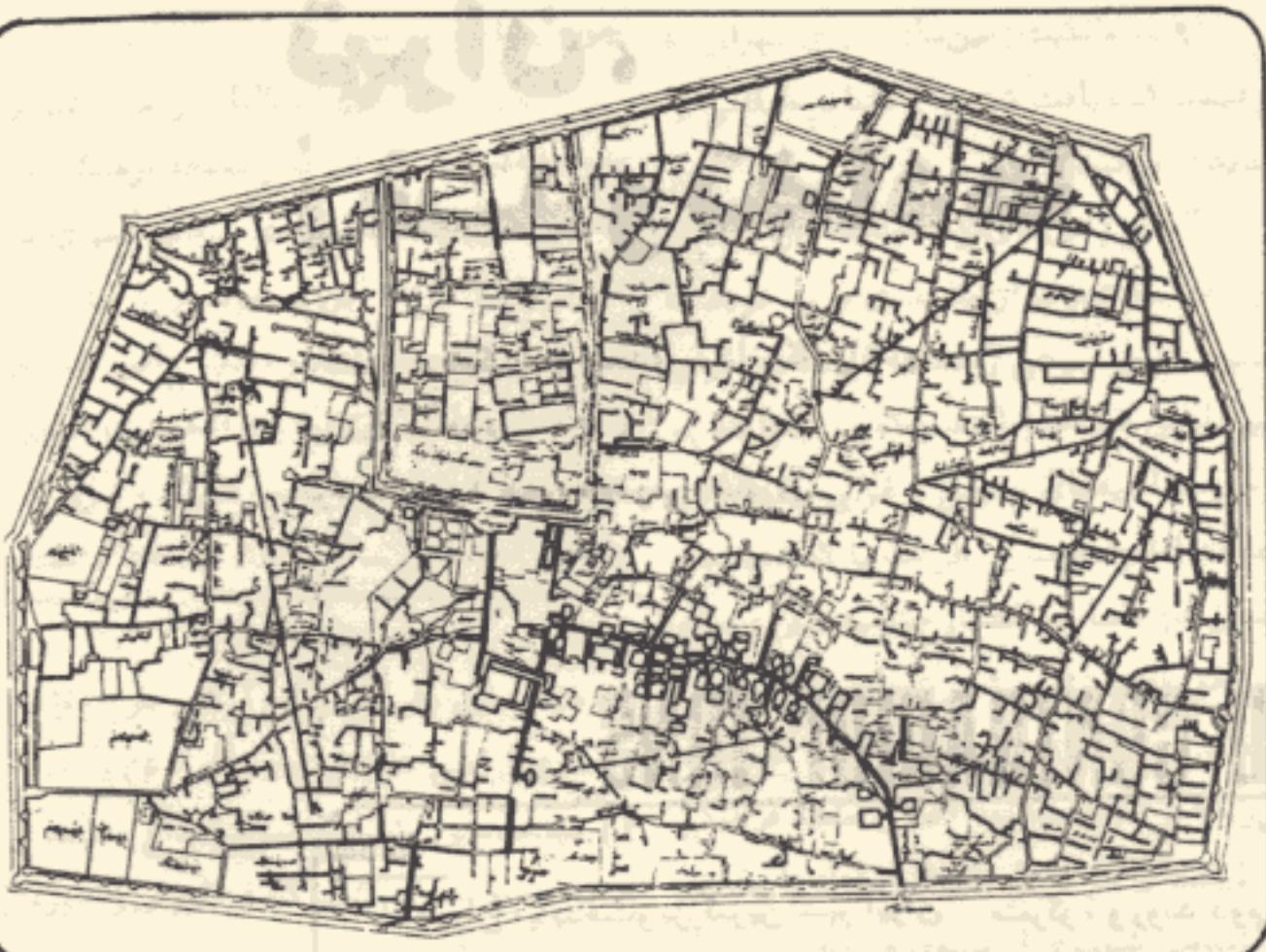
در بیست و پنج سال اول قرن بیستم، فعالیتهای کشاورزی بر اقتصاد ایران سلط داشتند، وزمینداران، مالک یا صاحب اختیار زمین و ابزار اصلی تولید بودند (لمبتوون ۱۹۶۹). دهقانان، طبیعتاً وابسته به زمین بودند، شهرها نقش مرکز رساندن خدمات سیاسی، مدیریتی و بازرگانی را دارا بودند. عملکرد اصلی آنها تولید بود، اما مازاد ملی را کنترل و توزیع می‌نمودند، روستاهای این مازادر را تولید می‌کردند، ولی شهرها به وسیله قدرت سیاسی و مکانیسم مبادله‌آنرا جذب می‌نمودند.

شهر، جمعیت آن ۲۱۵ هزار نفر اعلام گردید. تسلط سیاسی تهران در دورهٔ قاجاریه این امکان را بوجود آورد تا مازاد ملی بشکل مالیاتها، اجاره‌بها و نیروی کار از تمام نقاط کشور و استانهای مختلف به سوی آن جذب گردند (بهرام بیگی ۱۹۷۷). اما این شروت مملکت بیشتر صرف احداث ساختمانها و کاخهای سلطنتی، سفرهای شاهان به اروپا و ... می‌شد. شهر بهیچوجه یک مرکز تولیدی نبود، بلکه فقط یک مرکز اداری و تجاری برای کشور بود (بهرام بیگی ۱۹۷۷). قبل از قرن بیستم میلادی، ساختار طبقاتی شهر تهران، مانند سایر شهرهای آن زمان کشور، شامل اقشار مستار چون اشرفیت، درباریان، مالکان، لایه‌های بالای روحانیون و تجار شروع شد، عدد بزرگی از افراد طبقه متوسط شامل پیشه‌وران، صنعت‌کاران و اصناف، و مردم عادی شامل کارگران سطوح پایین بازار و نواحی روستایی بود. در آن زمان بزرگترین طبقه کشور که دارای شروت کمی بودند، دهقانان بودند که در روستاهای زندگی می‌کردند، تهرانی‌های فقیر نسبت بزرگی از جمعیت شهر را تشکیل می‌دادند.

بنابر قضاوت جهانگردان خارجی و سویسندگان داخلی، با اینکه زندگی برای بسیاری از شهروندان مشکل بود، اما فقر مطلق یک مسئله برای شهر نبود. جدائی اجتماعی میان گروههای مختلف جامعه وجود داشت، اما چندان آشکار نبود. برای مثال، مردم در مناطق مختلف مسکونی شهر تهران با یکدیگر بطور نسبتاً "مختلط‌زندگی" می‌کردند. البته، مانند بیشتر شهرهای ایران، تهران نیز دارای مناطق مختلف با عملکردهای گوناگون بود، و فعالیتهای مختلف از لحاظ فضائی، بطور تخصصی در سطح شهر مستقر بوده‌اند. شهر تهران بویژه دارای چهار منطقه بود، که بخاطر افزایش جمعیت و تراکم فیزیکی شهر، بعد از سال ۱۳۴۶ ه.ش. به شش منطقه گسترش یافت (بهرام بیگی ۱۹۷۷). این مناطق شامل: منطقه تجاری (بازار)، منطقهٔ سلطنتی

(ارگ)، منطقهٔ سیاسی-اداری، و سه منطقه مسکونی (سنگلچ، عودلاجان و چاله‌میدان) بودند.

صورت موثری دستخوش دگرگونی نمود. این تغییرات درنتیجهٔ انقلاب مشروطه سال ۱۲۸۴-۸۸ ه.ش. به نهایت درجه خود



در مجموع، در انتطاق با سیستم حاکم ریسید، امانت‌شیر این انقلاب در سالهای ۱۳۰۰-۱۳۵۰ ه.ش. نمایان شد که فرآیند انتقال از بر فرآیند تولید و انتباشت شروت ملی در کل جامعه ایران، در دورهٔ ماقبل سرمایه‌داری که انتباشت شروت ملی به صورت ماقبل سرمایه‌داری تابعه از نیمه قرن نوزدهم طول کشید، تهران ابتدائی به شیوهٔ سرمایه‌داری آن در طی آن قدیمی‌دارای جمعیتی نسبتاً کم بود، مداوم رشد می‌کرد اما اندک، و تضادهای جدی بین گروههای مختلف مردم آن وجود نداشت. ساختار طبقاتی شهر در رواح دست‌نخورده باقی مانده بود، و قرنهای در الگوهای توزیع در آمد و شکل‌گیری گروههای اجتماعی جدید شهر تغییری ایجاد نشده بود.

تهران در دوران انتقال به سرمایه‌داری با شروع نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، به دنبال یکسری تغییرات داخلی، توسعه‌های ساختاری در سطح کلی و تاثیرات مستقیم خارجی، ایران از میان یک فرآیند تغییر و تحول جدی عبور کرد. که بسیاری از اشکال جامعه‌شامل سیستم اقتصادی، ساخت سیاسی، پایه قدرت اجتماعی و موقعیت اداری را به همراه یک سیستم سیاسی زور مدار بعده گرفت. رژیم ماسیحی دولتی ضعیف شده را بازسازی نمود، دیوان‌سالاری قدیم را دوباره سازمان بخشیده و جامعه را براساس مدل‌های غربی نوسازی نمود (بنانی ۱۹۶۱) تمرکز قدرت‌های دولت بازسازی شده زور مدار، به وسیلهٔ تجمع نهادهای صنعتی،

یک شهر جدید در شمال بخش‌های موجود شهر احداث گردید، که دارای ساختمانهای نوین، خیابانهای عریض و همراه با درختکاریهای زیاد، و میدانهای بزرگ بود. ساختمانهای جدید دولتی، مورد نیاز بوروکراسی تازه پا گرفته، و خانه‌های مسکونی طبقات بالا درابتدا در این بخش‌های جدید احداث شدند. شهر جدید ضرورتاً "براساس سکه‌های معماری و جنبه‌های طراحی شهری اروپائی طراحی و توسعه یافت. و دارای خدمات اساسی همچون سیستمهای برق و تلفن بود. نواحی محدودی که در طول خیابانهای جدید الاحادیت ایجاد گردیدند، مراکز فرعی خرید بودند که به تدریج به قابت با مرکز تجاری سنتی شهر یعنی بازار بر می‌خاستند.

ظاهر و کیفیتهای فیزیکی تهران جدید در مقابل شدیدبا نواحی قدیمی آن که بیشتر در پیوند با مدل‌های سنتی شهری در خاورمیانه بودند، قرار داشت. مزایای موجود در نواحی جدید جمعیت توانمندتر محلات قدیمی را به

۱۳۰۰-ش. مساحت تهران ۲۴۵۰ هکتار با تراکم متوسط ۸۵/۷ نفر در هر هکتار بود. حدود شهر، با دیوارها، دروازه‌ها و خندق خشک دور تا دوری دیوار که در سالهای گذشته ساخته شده بود معین می‌شد. و بدین وسیله از نزدیکترین شهر یعنی شهر ری، و روستاهای حومه که کم کم به شهر تبدیل می‌شدند جدا می‌شد (تحریش در شمیران).

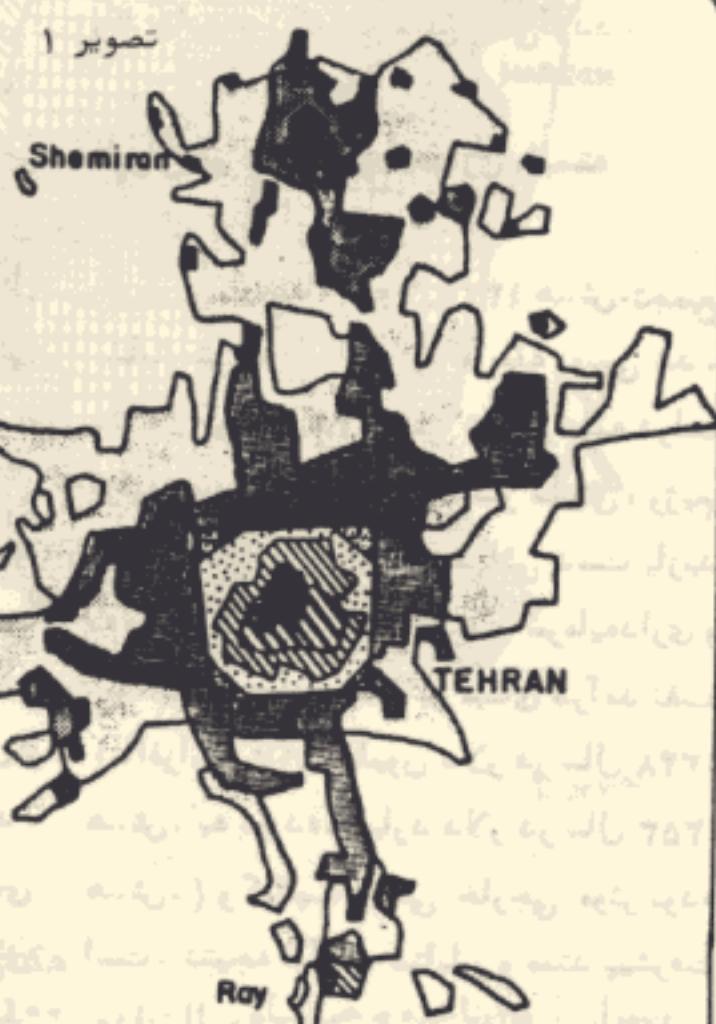
در نیمه قرن بیستم، مساحت تهران به ۸ هزار هکتار افزایش یافت و تراکم متوسط آن ۱۸۲/۵۵ نفر در هر هکتار تبدیل شد. رشد شدید شهر، تغییرات زیادی در هویت فیزیکی و کیفیت فضای آن به همراه داشت. در سال ۱۳۱۲-ش. براساس سیاستهای تحدیدگرایانه زور مدارانه، و در کوشش برای تظاهری از نوین شدن، رضا شاه دستور تخریب دیوار تهران را صادر نمود. او همچنین بافت شهر را با ایجاد خیابانهای عریض که بافت‌های قدیمی شهر را قطع می‌کردند تغییر داد (لاکهارت ۱۹۳۹). در طول سلطنت رضا شاه

مالی و تجاری در تهران و تعداد اندکی شهر اصلی چون تبریز و اصفهان شدت می‌گرفت. در سال ۱۳۳۰-ش. ۳۸ درصد سهادهای صنعتی بزرگ در تهران مستقر بودند. و فعالیتهای اقتصادی و تجاری بیشتر با خاطر کسب سود انجام می‌گرفتند، در همان زمان، و به متأثر نتیجه انباشت‌ثروت ملی توسط سیستم سرمایه‌داری دولتی، دو طبقه جدید در ایران ظهور یافته، که عمدتاً "در چند شهر بزرگ زندگی می‌کردند: یک طبقه متوسط جدید، که شامل تعداد فراپینده‌ای از کارکنان بروکرات دولتی، تکوکراتها، معلمان و محصلان بودند، و دیگران طبقه کارگران صنعتی، بعلاوه، به خاطر همبستگی اقتصاد کشور با سیستم سرمایه‌داری جهانی، در اواخر قرن نوزدهم، بورزوای غرب‌گرای کشور نیز بتدربیج شکل گرفته بود. اکثریت مطلق این مردم در تهران پایتخت کشور زندگی می‌کردند. توسعه‌های فوق باعث رشد تهران، در دو مقوله: جمعیت و مساحت گردید، و منجر به ایجاد شکاف عمیق اقتصادی - اجتماعی بین گروههای اجتماعی شهر شد. در سال ۱۳۰۰-ش. تهران از لحاظ جمعیت حدوداً هم اندازه تبریز بود، و چندان پر جمعیت‌تر از اصفهان، شیراز و مشهد که سایر شهرهای بزرگ کشور بودند نبود و کمتر از دو درصد جمعیت کل کشور در آن زندگی می‌کردند. طی مدت ۱۳۰۰-۳۵-ش. تهران به عنوان شهر اصلی کشور توسعه یافت، و یک انفجار جمعیتی را تجربه نمود. در سال ۱۳۲۰-ش. تهران تبدیل به یک شهر میلیونی شد، و بیشتر از ۳۵ درصد جمعیت کشور را در خود جای می‌داد. نسبت بزرگی از این افزایش جمعیتی باعث گسترش تعمیدات بهداشت ملی بود. به همین میزان، قسمت مهم رشد جمعیت تهران، در نتیجه افزایش مهاجرت به آن شهر نیز بود (گراهام ۱۹۸۲، بهاریه ۱۹۷۱).

به همراه رشد جمعیت، تراکم فیزیکی شهر نیز افزایش یافت (تصویر ۱). در سال

تصویر ۱ گسترش فیزیکی تهران ۱۹۲۱-۱۸۶۸

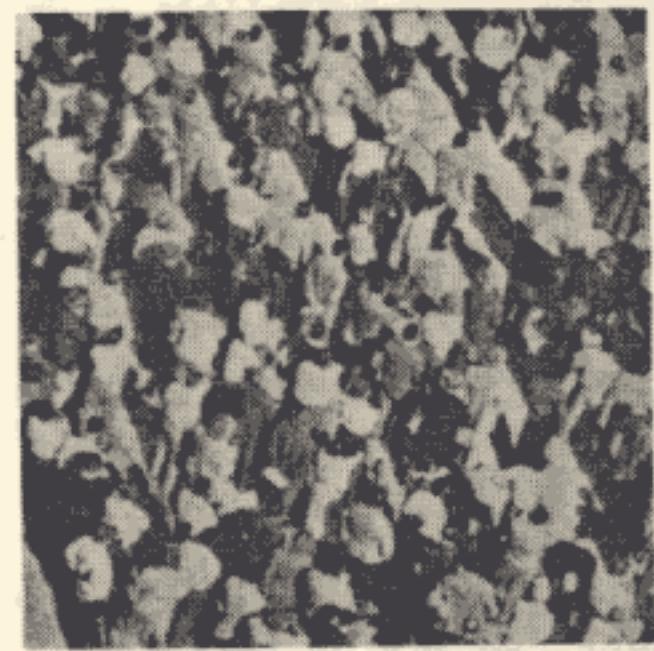
ML  
Km.  
5



ناحیه اراک  
شهر قدیمی تا سال ۱۸۶۸  
حومه شهری حدود سال ۱۸۶۸  
روستاها  
گسترش در سال ۱۸۶۸  
گسترش در سال ۱۹۳۲  
گسترش در سال ۱۹۵۵  
گسترش تا سال ۱۹۲۱

منبع: اقتباس ۱ - میخائل ای - بوئین  
شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا

خود جذب نمود، آنها شامل بورژوازی جدید و اقشار بالای خرد بورژوازی بویژه گروههای اجتماعی تازه شکل گرفته، تکوکراتها و متخصصان تحصیل کرده بودند. همانسان که انتقال جمعیت بسوی شمال شهر ادامه می‌یافتد.



می‌شود. یک نتیجه اساسی روند فوق، تمرکز فعالیتهای صنعتی و خدماتی در نواحی شهری اصلی مملکت بود. تهران، پیشوای سایر شهرها را با تفاوت‌های فاحشی از آنها، به عنوان یک مرکز اصلی کشور در تولید و توزیع شرот ملی بعهده گرفت. برای نمونه، در اوایل دهه ۱۳۴۰ ه.ش. بیش از ۴۶ درصد تاسیسات صنعتی بزرگ در تهران مستقر بودند (کاظمی ۱۹۸۲). بعلاوه بیش از نصف کالاهای صنعتی کشور در تهران و یا اطراف آن تولید می‌شدند. تهران همچنین به عنوان مرکز تهیه و توزیع کننده انواع خدمات برای بیشتر نقاط دیگر سرزمین عمل می‌کرد.

تمرکز سنگین در سایر فعالیتها نیز وجود داشت. در نیمه دهه ۱۳۵۰ ه.ش. ۸۲/۲ درصد شرکتهای ملی در تهران مستقر بودند و پایتخت ۵۲/۹ درصد واحدهای بانکی بزرگترین شهرها و ۵۴/۵ درصد خدمات مخابراتی کل کشور را شامل بود (کاظمی ۱۹۸۲). بعلاوه، از میان هر ده سفر تهرانی، یک‌نفر صاحب یک اتوموبیل بود، و این در مقابل یک نفر در برابر نود نفر در سایر شهرهای کشور بوده است.

هفتاد درصد آنها که به خارج سفر می‌کردند وغیر از سفرای مذهبی) در تهران زندگی می‌کردند. بیش از ۴۵ درصد بليطهای سینما در پایتخت فروخته می‌شد. و ارزش متوسط زمین در تهران دو برابر شهرهای دیگر بود (گراهام ۱۹۷۸). بربطبق یک بررسی به عمل آمده در سال ۱۳۵۲ ه.ش.، در اوآخر دوران رژیم سلطنتی، تهران ۴۰ درصد اشتغال کل را در خرده فروشی، ۶۰ درصد در فعالیتهای عمده فروشی، ۴۲/۲ درصد کل سرمایه‌گذاری در ساختمناسازی و ۴۱ درصد شرکتهای بیمه را بخود اختصاص می‌داد. در حیطه بهداشت و آموزش و پرورش، تمرکز قابل توجه است: ۵۶/۸ درصد تختهای بیمارستانی و ۵۲ درصد متخصصان در پایتخت مستقر بودند. و نیز ۵۷ درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی و ۵۵ درصد فارغ التحصیلان

بهطور مناسب در تمام نواحی آن توزیع نگردید. بطور کلی، نواحی شمالی نوساز شهرداری تراکم جمعیت کم، و محلات سنتی مرکزی و جنوبی آن دارای تراکم بیشتر بودند.

توزیع ناهمانگ جمعیت در درون شهر ظاهری از نابرابریهای (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) بین گروههای اجتماعی موجود در شهر مرکز کشور بود. بطور خلاصه، دوره انتقال به سرمایه‌داری در ایران با آغاز پدیدهای که میان تضادهای اقتصادی اجتماعی درون شهری در تهران بود مشخص می‌شود، که هویت فیزیکی و توزیع فضایی جمعیت در آن را تغییر می‌دهد، و جمعیت آنرا افزایش می‌بخشد. از یک شهر تسبتاً "کوچک و همکن، تهران به صورت یک متropolis با تفوق بارز بر سایر مراکز شهری ایران تغیر چهره می‌دهد. شهر از یک بافت بهم فشرده، ماقبل صنعتی دارای یک ناحیه شهری و تجاری مرکزی به یک ناحیه شهری گسترشده، با گستگیهای اجتماعی فضایی شامل تعداد فراوانده مراکز تجاری فرعی، ادارات دولتی و کارخانهای صنعتی تبدیل می‌گردد.

#### تهران در دوره سرمایه‌داری وابسته

در اوایل دهه ۱۳۳۰ ه.ش. تجمع پایتختی در ایران وارد مرحله نوینی شد. بدنبال کودتای ۱۳۳۲ ه.ش. بر علیه دولت برگزیده دموکراتیکو ملی دکتر مصدق، رژیم سلطنتی به یکسری کوششهای دست یاریزید که مستقیماً در گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و رشد تولید اقتصادی بر مبنای درآمد نفت (با افزایش ۸۱۲ میلیون دلار در سال ۱۳۴۸ ه.ش. به نزد میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ ه.ش.) و کمکهای فنی خارجی موثر بوده است. نتیجه فرآیند شتابان و ممتد پیشرفت بعد از سال ۱۳۴۵ ه.ش. استقرار سرمایه‌داری بعنوان شیوه غالب تولید بود، که به وسیله تغییرات بوجود آمده در سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در تولید ناخالص ملی مشخص

روندي دیگر بعد از عصر رضا شاه بوقوع پیوست، و آن همانا، پر شدت محلات سنتی با مهاجران جدید و طبقات پایین بود که به نقاط مسکونی که توسط ساکنان قبلی تخلیه شده بودند، اسباب‌کشی می‌کردند (شهرام بیگی ۱۹۷۷). در نتیجه تنگ‌ستیهای مالی، یا ناامیدی ساکنان جدید و غفلت دولت، اگرگوئیم سیاستهای غلط آن، ساکنان قدیمی بحق در محلات کهنه شهر بخاره زوال تدریجی آن محلات باقی نماندند و از آنجاهای نقل مکان کردند. تنزل فیزیکی بخش‌های سنتی شهر و نواحی جدید، تضادهای درون شهری را افزایش بخشد. در اوایل دهه ۱۳۴۵ ه.ش. تفاوت بین بخش‌های اداری، تجاری و مسکونی شهر، و بین شمال و جنوب تهران نمایان شد. استقرار مراکز خرید و فروش جدید در شمال و صنایع در جنوب، این تقابل را شدیدتر نمود. کارخانه‌های جدید همچنین در قسمتهای غربی و شرقی پایتخت مستقر می‌شدند. جدائی طبقات اجتماعی، تضادهای رشد یابنده شهر را شدت می‌بخشد.

بعلاوه در تهران توسعه فیزیکی همای رشد جمعیت بوقوع نمی‌وست، و افزایش تراکم

به دنبال گسترش فیزیکی قابل توجه شهر، تراکم جمعیت در آن بسرعت رشد یافت. در سال ۱۳۵۲ نزدیک به ۲/۲ میلیون سکنه (تقریباً "درصد جمعیت شهر) در نواحی که دارای تراکمی حدود ۵۰۰ - ۲۰۰ نفر در هکتار بودند زندگی می‌کردند. بسیاری از این نواحی شهری در قسمتهای جنوبی، شرقی و جنوب‌غربی شهر واقع بودند، آنجاهایی که بیشتر خانواده‌های کم درآمد و مهاجرین روستائی ساکن بودند.

در سواحل شهری، شکافها همچنان افزایش می‌یافت، نرخ تورم سالانه بالا در دهه ۱۳۵۰ (حدود ۴۰ - ۳۰ درصد) احتمالاً وضعیت فقیرترین اقسام جمعیت را

شهر بزرگ کشور بود، گسترش فیزیکی تهران نیز قابل توجه است (تصویر ۱). در سال ۱۳۴۵، تهران بهذه ناحیه، شامل شهر قدیمی ری و حومه‌های شهری جدید مثل تجریش در شمال ناحیه شمیران تقسیم گردیده بود. کمتر از ده سال گسترش سریع فیزیکی شهر مسئولان شهری را وادار کرد تا تهران را دوباره تقسیم بنده‌نمایت، لذا، در حدود سال ۱۳۵۵، شهر به بیست ناحیه شهرداری تقسیم شد که تمام مساحت ۵ هزار هکتار آن را پوشش می‌داد، بعلاوه در مورد محدوده شهر نیز تجدید نظر بعمل آمد و ۵۰۰ هکتار دیگر بعنوان حرم شهری به آن افزوده شد

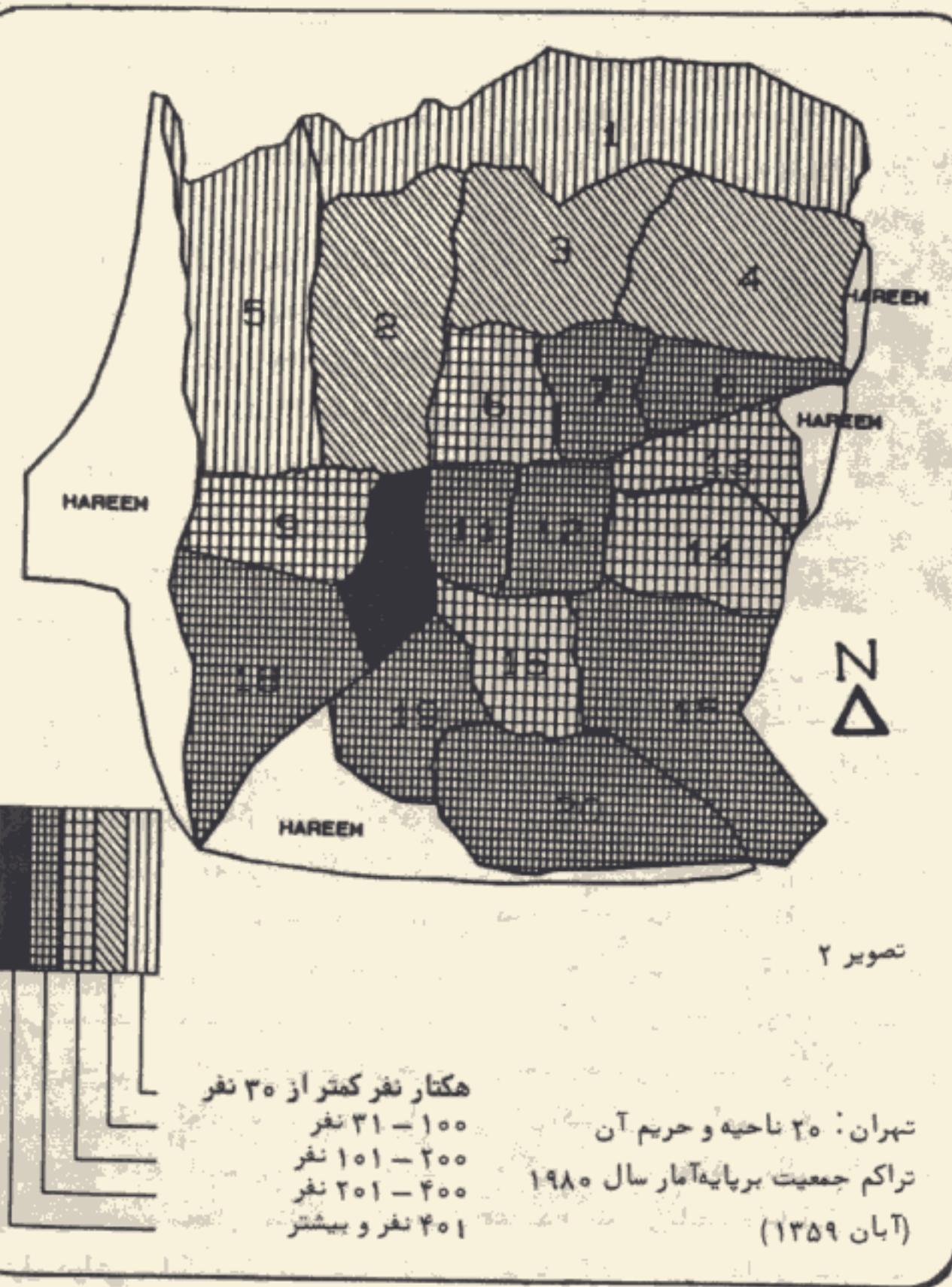
(تصویر ۲)

مدارس متوسطه و ابتدایی در تهران زندگی می‌کردند (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۳)، تمرکز شدید ثروت، تولید صنعتی و خدمات در تهران کلید توزیع ناپاباپ جمعیت در سطح ملی و رشد سریع جمعیت شهر بود. سهم تهران از کل جمعیت ایران از ۲/۹ درصد در سال ۱۳۲۵ ه.ش. به ۱۰/۸ درصد در سال ۱۳۴۵ ه.ش. و ۱۳/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. جمعیت تهران دقیقاً ۱۵۸۴ هزار نفر در سال ۱۳۲۵ به ۱۳۳۵ به ۲/۹۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ و ۴۵۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رشد یافت. رشد کلی جمعیت ۱۸۶ درصد در دو دهه بوده است، که بیشترین نرخ رشد در جهان سوم و بین شهرهای بزرگ خاورمیانه بود. رشد جمعیت شهر، در سالهای بعد از انقلاب ۱۳۵۲ با نرخ سالانه ۵/۵ درصد آمده است. جمعیت تهران در حال حاضر ۱۰ - ۸ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

سهم بزرگی از افزایش جمعیت تهران در دورهٔ بعد از ۱۳۲۰ (و دقیق‌تر بعد از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱) بخاطر مهاجرت بود، که با اختلاف بین نرخ رشد شهر و کشور تبیین می‌گردد. زیرا، تهران بعد از دورهٔ ۱۳۲۰ نرخ رشد متوسطی حدود ۴ درصد در سال داشته است، درحالی‌که نرخ رشد کل کشور ۶ درصد بوده است.

در ده سال بعد از ۱۳۲۵ تهران ۳۸ درصد کل مهاجرت داخلی را جذب نمود (بهاریه ۱۹۷۱). با اتمام دورهٔ ۱۳۴۵ جمعیت مهاجر شهر به سطح ۵۰ درصد رسید. در دههٔ ۱۳۵۰ بیش از ۷۳ درصد مهاجرت بین استانها و ۴۴ درصد حرکت جمعیتی بین شهرها بست تهران ختم می‌شدند.

افزایش طبیعی و عوامل مهاجرت نه تنها به رشد جمعیت تهران منتهی شد، بلکه باعث تسلط آن در سلسله مراتب شهری کشور گردیده و به گسترش فیزیکی شهر منجر شد. بدین ترتیب، در سال ۱۳۵۵ پایتخت دارای جمعیتی معادل ۶/۶ برابر اصفهان، دو می-



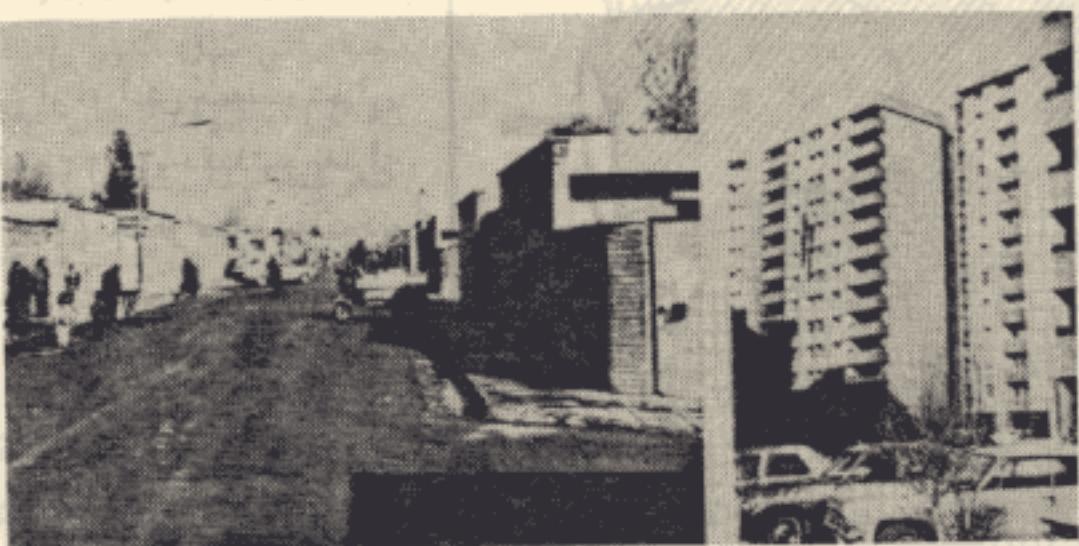
اتاق خوابه است که با سوبسید دولت و برای ۴۲۵ هزار کارمند دولت با درآمد متوسط ساخته شده است لویزان برای ۴۵ هزار حقوق بکیر دولتی با درآمد پائین و متوسط احداث گردیده است. فرح آباد در مشرق تهران توسط بنیاد پهلوی احداث گردید، قسمت اعظم این طرح با کمکهای مالی بخش خصوصی و برای گروههای درآمدی متوسط و بالا ساخته شده است. عباس آباد تنها توسط بخش خصوصی توسعه یافت و مخصوص ساکنان با درآمد بالا و قسمتی از آن به عنوان یک ناحیه تجاری در شمال تهران درنظر گرفته شده بود.

در میان پروژه‌های بزرگ در عباس آباد، پروژه شهرستان پهلوی بود. این مرکز چند منظوره برای سلسله پهلوی معادل پرسپولیس برای شاهان هخامنشی بود. شهرستان جهت ایجاد یک مرکز ملی به منظور

دبیل آن چهار منطقه حومه شهری به عنوان شهرهای جدید ایجاد شدند، که برای اسکان گروههای درآمدی مختلف طراحی شده بودند. از آن‌زمان بعده، جداسازی با برنامه براساس درآمد برای متروپل تهران یک خط مشی نمونه‌ای توسعه شد. اولین شهرکی نارمک بود، که در سال ۱۳۳۵ بر روی ۴۰۰ هکتار زمین تقسیم شده به ۸۰۰ قطعه ۵۰۰ - ۲۰۰ متر مربعی برای سکنه با درآمد متوسط آغاز به احداث شد، و در شمال‌شرق تهران واقع بود. توسعه نازی‌آباد در اوایل دهه ۱۳۴۰ شروع شد، که بر روی سه هزار هکتار زمین واقع در جنوب تهران قرار داشت، این زمین به قطعات ۸۰ متر مربعی و برای احداث خانه‌های دو-اتاقه بیزه کارگران شاغل در مراکز صنعتی اطراف مدنظر گرفته شد. توسعه کوی نهم آبان در سالهای ۴۵ - ۱۳۴۴ در جنوب تهران آغاز شد. بیش از ۳۴۵۰ خانه سه اتاق

بیزه در شهر تهران، جایی که هزینه حداقل خانه‌سازی در سالهای ۵۲ - ۱۳۵۰ ۵۰ درصد افزایش یافته، و قیمت‌های زمین در همین‌زمان در نقاط ویژه‌ای از شهر به بیش از ۵۰۰ درصد جهش کرده بود، بدتر می‌گرد. هزینه ساختمان مسکن و دسترسی‌ها در زمرةٰ اصلی‌ترین مسائل شهری تهران بودند. یک بررسی در سال ۱۳۴۵ فقدان هفتاد و هشت هزار واحد مسکونی را در مقابل دویست و هفتاد و پنج هزار خانواده کم درآمد نشان داده است. در حالی که ۱۵ هزار واحد مسکونی مازاد در مقابل ۷۵ هزار خانواده با درآمد بالا و متوسط در شهر وجود داشته است. این مقایسه، تفاوت‌های برجسته بین نوع، اندازه و کیفیت سرپناههای سایر گروهها را بحساب می‌آورد. وضعیت فوق در دهه ۱۳۵۰ بدتر شد یعنی زمانی که برطبق محاسبات مختلف، ۴۲ - ۵۵ درصد جمعیت شهر دارای مشکل مسکن بوده‌اند.

رشدناابرایه‌با افزایش اختلافها بین نواحی مسکونی تهران، بهتر قابل مشاهده می‌شود. در سالهای بعداز ۱۳۴۰ شهر به شکل قابل ملاحظه‌ای در جمیع جهات گسترش یافته، بیزه به سمت شرق، شمال و شمال غربی، یعنی نقاطی که طبقات بالا و گروههای حقوق بکیر و متخصصین در آنها ساکن می‌گردیدند. گسترش شهر از غرب به شرق محلات جدیدی را بوجود آورد، فقراء و مهاجرین جدید، به همراه سایر اقشار طبقه کارگر، در نواحی گسترش یافته جنوب، جنوب‌شرق و جنوب‌غرب ساکن شدند. سوای از طبیعت نابرابر توسعه سرمایه‌داری، اعمال راهبردی برای برنامه‌بیزی جهت جداسازی فضایی عمومی مردم، در تعمیق تقابل بین نواحی مختلف شهر تهران بسیار موثر بود. در سال ۱۳۳۱، هیج زمینی در حریم شهر وجود نداشت که در مالکیت فردی باشد که بخواهد آنرا ساختمان کند، اداره ثبت در این سال، آنچنان زمینهای را تحت کنترل دولتی بانک مسکن قرار داد، که به



استقرار ادارات دولتی، هتل‌های لوکس، فروشگاههای خردۀ فروشی، رستورانها، پارکینگ و پارکها برنامه‌بیزی شده بود، و یک شبکه جدید حمل و نقل که رشد آنرا به صورت شرقی - غربی هدایت می‌نمود برای آن در نظر گرفته شده بود. در این مجموعه، همچنین برای ۲۵۰ هزار نفر سکنه با درآمد بالا، یک منطقه مسکونی طراحی شده بود

(LLEWELYN-DAVIES 1976)  
International

یک نتیجهٔ عمدهٔ این ره‌یافتها، بروز تقابل شدید میان نواحی مختلف شهر تهران بود (جدول ۱). به طور کلی، نواحی شمالی

در پایان، تقابل شمال - جنوب، همچنین در اندازه و کیفیت واحدهای مسکونی نیز منعکس بود (جنز ۱۹۷۹). بویژه، در سال ۱۳۵۲ شمال شهر شامل تعداد بیشتری خانوارهای هسته‌ای ساکن، ساختمانهای آپارتمانی مدرن با تعاهدهای آجری و سنگی و اسکلت فلزی یا بتی، آشپزخانه جداگانه، اتاقهای نشیمن و خواب، و برق و آب لوله کشی بود. زیربنای متوسط زیربناهای مسکونی در شهر دو برابر متوسط زیربناهای مسکونی در کل شهر بوده است. برای کلیه قسمتهای جنوبی شهر، از طرف دیگر، این متوسط بسیار پایین بود. این نقاط، مکان استقرار خانه‌های کوچک، کلبه‌های مختصر، آلونکهای ساخته شده از مصالح قراضه و تکه‌های مقوا و حلبي که سرپناه صدھا خانواده بودند، و همکی سرپناه دوسوم ساکنان شهر را تشکیل می‌دادند، بحساب می‌آمد. در بسیاری از خانواده‌های بزرگ، بطور متوسط شش نفر در یک اتاق زندگی می‌کردند. این نواحی بیشتر فاقد سیستمهای آب لوله‌کشی و برق و دارای کمبودهای فراوانی بودند و در بسیاری موارد غیرقابل زیست بمنظور می‌رسیدند.

► ساختمانهای مدرن در شمال شهر (شمال بلوار کشاورز) حلبی آباد

جمعیت، دارای درآمد ماهیانه متوسط حدود ۴۰۳ - ۲۹۶ دلار بودند، در حالی که این میزان متوسط در نواحی جنوبی و جنوبغرب، با ۵۲ درصد جمعیت، حدود ۱۱۱ دلار بود. در دو ناحیه شمالی ۴۲ و ۳۲ درصد خانوارها حداقل مالک یک اتوموبیل بودند، این ارقام می‌باشد (Sofreto 1973).

شهر بربخورداری بیشتری از بسیاری امکانات جنوب مغازه‌های خرد هفروشی، امکانات پزشکی، دندانپزشک، متخصصین، خدمات آموزش و فرهنگی، و سایر ضروریات اصلی شهری داشتند. تراکم در نواحی جنوبی شهر (۱۵۱ نفر در هکتار) بیش از ۳/۵ برابر تراکم در نواحی شمالی (۴۳ نفر در هکتار) بود. پنج ناحیه



با کمترین تراکم جمعیت مختص سکونت شردمدان بود. شکاف بین نرخ متوسط تراکم مسکن در شهر بسیار زیاد بود. در شمال شهر ۴/۳ نفر در هر واحد مسکونی زندگی می‌کردند، ولی در جنوب آن ۸/۶ نفر در هر واحد ساکن بودند. لذا، همبتگی بین تراکم و فقر در تهران بخوبی نمایان بود.

مقابل شدید شمال - جنوب در شهر تهران، همچنین در توزیع نابرابر درآمد خانوار نیز منعکس بود. در سال ۱۳۵۲ بعنوان نمونه، نواحی شمالی - مرکزی و حومه‌های شهری مجاور شمال تهران با حدود ۳۵ درصد

توسعه تاریخی تهران نیز با ویژگی‌های تئوریک مراحل مختلف توسعه شهری، در راستای الگوهای انباشت ثروت به شیوهٔ سرمایه‌داری در مقیاس ملی منطبق است. به طوری‌که در این چارچوب رشد شهرها و تضادهای همراه آن مسائل جامعه بزرگتر را معکن می‌نماید. انتقال از شرایط ماقبل سرمایه‌داری به شکل‌بندی سرمایه‌داری وابسته در ایران با دو شاخص مشخص می‌شود:

- تغییر از تمرکز تولید با بنای روستایی به تمرکز تولید با پایه شهری.
- نابرابری صرف.

تهران (مانندسیاری دیگر از شهرهای جهان سوم) به یک مرکز انباشت سرمایه و عرصه‌تضادهای اصلی جامعه تبدیل شده است. تمرکز فرازایده سهادهای مختلف و جمعیت، "مسائل شهری" متعددی را در آن به وجود آورده، و به گسترش فیزیکی شهر کمک نموده است. تجربهٔ ایران نشان می‌دهد که چنین تمرکزهایی در جهان سوم می‌توانند منجر به انقلاب‌شونده‌شرکت‌کنندگان در انقلاب سال ۱۳۵۷ بیشتر تهرانیهای حاشیه‌نشین بودند، که شامل فقرا و ساکنان نواحی جنوبی شهر می‌شدند. این درواقع تهران بود که سلطنت را منقرض نمود، نه تمام ایران. شهر تهران عرصه تاریخی تظاهرات میلیونی توده‌ها بر علیه شاه بود. طبقات فقیر و متوسط بخارط دمکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی با شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" به خیابانها ریخته بودند.

اینک، رزیم شاه از بین رفته است، اما وابستگی سرمایه‌داری، و نابرابریها به میزان باقیمانده‌اند. بسیاری از روندهایی که تهران را در قبیل از سال ۱۳۵۲ تحت فشار قرار می‌دادند همچنان بلاتفییر باقیمانده‌اند. شهر همچنان مرکز سیاستها و قدرت سیاسی کشور است. جمعیت آن کماکان اسالانه بیش

## منابع و مأخذ:

- Adibi, H. 1979. *Tabaqah-e Moutavaset-e Jadid Dar Iran*. Tehran: Jame'ah Entesharat.
- Akhavi, S. 1986. *State Formation and Consolidation in Twentieth-Century Iran: The Reza Shah Period and the Islamic Republic*. In *The State, Religion, and Ethnic Politics*, eds. A Banazizi and M. Weiner. Syracuse: Syracuse University Press.
- Alizadeh, M. and Kazerouni, K. 1984. *Mehajerat Va Shahrneshini Dar Iran*. Tehran: Ministry of Plan and Budget, Office of Population and Manpower.
- Amirahmadi, H. 1986. *Regional Planning in Iran: A Survey of Problems and Policies*. *Journal of Developing Areas*. 20.
- . 1982. *Transition from Feudalism to Capitalist Manufacturing and the Origins of Dependency Relations in Iran: 1796-1921*. Unpublished Ph.D. dissertation, Department of City and Regional Planning, Cornell University.
- . 1980. *Planning and Capitalist Development in Iran: The Role of the State and Imperialism (1930s-1976)*. Working paper, Department of City and Regional Planning, Cornell University.
- Amirahmadi, H. and Atash, F. Forthcoming. *Dynamics of Provincial Development and Disparity in Iran, 1956-1984*. *Third World Planning Review*.
- Amuzegar, J. 1977. *Iran: An Economic Profile*. Washington, D.C.: The Middle East Institute.
- Ashraf, A. 1971. *Iran: Imperialism, Class and Modernization from Above*. Unpublished Ph.D. dissertation, New School for Social Research.
- Bahrambeygui, H. 1977. *Tehran: An Urban Analysis*. Tehran: Sahab Books Institute.
- Banani, A. 1961. *The Modernization of Iran, 1921-1941*. Stanford: Stanford University Press.

منبع:	فقط آمار مربوط به جمع در چهار سال
سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲	اول شامل حریم شهر نیز می‌شود. بقیه آمار اطلاعات حریم را دارا نمی‌باشد.
۹۷-۱۰۳، تازه‌های آماری، ۱۳۶۲	مساحت تهران ۵۶۲/۲ کیلومتر مربع.
۱۰۳	۱/۸ کیلومتر مربع مربوط به حریم شهر.
۱۳۶۲	در مورد مکان استقرار نواحی شهر، نامنداد
۱۳۶۲	رجوع شود به تصویر ۲.

شاخصهای جمیعی برای ۲۰ ناحیه تهران سال ۱۳۹۸ (جمعیت ۱۰۰۰۰)

ردیف	ناحیه	جمعیت	مساحت کیلومتر مربع	تراکم	واحدهای مسکونی	تعداد خدمات پیشگاهی	تعداد داروخانه	تعداد مساجد	تعداد مهدکودکها و کودکستانها	تعداد مدارس ابتدائی	تعداد مدارس راهنمائی	تعداد دیدرسانانها	
												شمال	مرکز
۱	۱/۷	۱۴۶۲	۲۷/۴	۲۳/۶	۲۳/۸	۱/۱	۱/۱	۴/۸	۲/۸	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۲	۱/۰	۱۴۵۳	۲۰/۲	۲۳/۶	۲۳/۸	۰/۱	۰/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۳	۱/۰	۱۴۵۴	۲۰/۰	۲۳/۱	۲۳/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۴	۱/۴	۱۴۵۵	۲۰/۰	۲۳/۱	۲۳/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۵	۱/۰	۱۴۵۶	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۶	۱/۱	۱۴۵۷	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۷	۱/۰	۱۴۵۸	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۸	۱/۰	۱۴۵۹	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۹	۱/۰	۱۴۶۰	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۰	۱/۰	۱۴۶۱	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۱	۱/۰	۱۴۶۲	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۲	۱/۰	۱۴۶۳	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۳	۱/۰	۱۴۶۴	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۴	۱/۰	۱۴۶۵	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۵	۱/۰	۱۴۶۶	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۶	۱/۰	۱۴۶۷	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۷	۱/۰	۱۴۶۸	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۸	۱/۰	۱۴۶۹	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۱۹	۱/۰	۱۴۷۰	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۲۰	۱/۰	۱۴۷۱	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۲۱	۱/۰	۱۴۷۲	۲۰/۰	۲۳/۲	۲۳/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴